

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۱، ش ۳ (پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۳۹۹

صص: ۷۲-۵۵

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه

ماندانا رجایی دستغیب

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

دکتر محمدکاظم کاوه پیشقدم (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

دکتر مریم زیبایی‌نژاد

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

کتاب کلیله و دمنه یکی از آثار با ارزش و معتبر زبان فارسی است که از زمان پیدایش آن تاکنون در میان اهل علم و ادب به ویژه فارسی‌زبانان مورد توجه خاص و عام بوده است. این کتاب از سرزمین هند آمده و از افسانه‌های کهن هندی سرچشمه گرفته است. کلیله و دمنه همچنین یکی از کتاب‌های مشهور جهان در حوزه‌ی ادب تعلیمی از نوع تمثیلی است که در قالب داستان‌هایی از زبان حیوانات و در هیأت فابل (fable) نوشته شده و در صدد یافتن چاره‌ای برای رفع مشکلات مردم و دفع ظلم و فساد است. کلیله و دمنه دارای مضامین اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و کلامی می‌باشد. قسمت‌هایی از حکایت‌های کلیله و دمنه بر مسأله سیاست مدن و بررسی آیین کشورداری تأکید دارد. رعایت اصول و موازین اخلاقی مانند عدالت، جبر و اختیار، رعیت‌پروری، رازداری، امنیت، خردورزی، مشورت، اتحاد، قناعت، اعتقاد به تقدیر و سرنوشت، قدرت‌آهورایی و دارای پیوندی استوار با شیوه شخصی پادشاهان و حاکمان از موضوعات اصلی این بخش‌هاست. روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای است. نتیجه‌ی حاصل نشان‌دهنده وجود مولفه‌های نظامی طبقاتی در نگاه نویسندگان کلیله و دمنه و گرایش به خلق داستان‌هایی با مضمون سیاسی است.

واژگان کلیدی: سیاست، کشورداری، کلیله و دمنه، اندیشه سیاسی، حکومت

Email: mandanarajae@gmail.com

pishghadam2008@gmail.com

zibaenejad.m@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

۱- مقدمه

اصل کتاب کلیله و دمنه از افسانه ادبیات هندی است و به زبان سنسکریت، زبان هندوان کهن تألیف شده است. ریشه آن در افسانه‌های حماسی هندی، از جمله پنجا تنترا و مهابهاراتا یافت می‌شود. نام‌های خاص جانوران، مانند دمنه یا شنزبه آمده است. نام باب‌های پنجاتنترا:

۱. جدایی دوستان
 ۲. به دست آوردن دوستان
 ۳. جنگ بومان و زاغان
 ۴. از دست دادن مزایای مکتسب
 ۵. فاعل اعمال نسنجیده (کرباسی، ۱۳۸۸: ۱۵).
- سه باب از کلیله و دمنه عربی و فارسی مهابهاراتا اقتباس شده که عبارت اند از:

۱. باب السنور و الجرد
 ۲. باب الطائر و ابن الملک
 ۳. باب الاسد و ابن آوی (کرباسی، ۱۳۸۸: ۱۶).
- کلیله و دمنه یکی از کتاب‌های ارزشمند ادب فارسی است که از امثال و حکم و پندهایی پیرامون اصلاح اخلاق، تهذیب عقل و به آشکار کردن عیوب جامعه پرداخته است.

قالب و محتوای متون کلیله و دمنه با متنی ادبی سیاسی آمیخته شده است و در آن راهکارها و رهنمودهایی در باره کشورداری پرداخته شده است. توجه به مسائل سیاسی و داشتن افکار و اندیشه‌های اجتماعی و طراحی و برنامه ریزی برای امور دنیوی و اخروی به شکل مشهود و محسوس آمده است. گفت و گوی به زبان حیوانات، امثال و حکم و پندهایی را با شیرین ترین زبان و زیباترین بیان جای داده است. در هر عصری نه تنها حاکمان بلکه برخی ادیبان هم به عالم سیاست روی آورده و گاهی نقش مشاوران سیاسی حاکمان را ایفا کرده اند و در ادبیات نیز تأثیر گذار بوده است. کلیله و دمنه سرنوشت ستمگران پیشین را در قالب داستانک‌هایی از زندگی جانوران ارائه می‌کند تا انسان‌های ستمگر، خود را در آینه آنان ببینند. در اندیشه سیاسی کلیله و دمنه، ظلم و ستم را نشانه اقتدار نمی‌داند بلکه آن را ستم کاری که باعث ترس و بی اعتمادی مردم را مایه تضعیف و ویرانی حکومت دانسته است.

این کتاب علاوه بر ارزش ادبی در تاریخ نثر فنی، به سبب اهداف اخلاقی و اجتماعی نیز در خور توجه و مورد علاقه ملت‌های مختلف بوده به زبان‌های گوناگونی، ترجمه و

شرح شده است.

در باره اهمیت آن، فرانسوا دوبلوا، یکی از استادان دانشگاه‌های آلمان چنین می نویسد: «کتاب کلیله و دمنه، از جمله اسناد و منابع معتبر تاریخ روابط تمدن ها است. از راه بررسی تاریخ این اثر، می توان فرایند انتقال محصولی فرهنگی از سرزمین هند را، نخست به ایران و آن گاه به جهان اسلام و از آن جا به اروپا و سراسر جهان باز شناخت. قبول عام و پایگاه عالی این اثر در میان عوام مختلف جهان را انبوه نسخه ها و ترجمه‌های آن تأیید می‌کند(فرانسوا دوبلوا، ترجمه صادق سجادی، شرح کلیله و دمنه، ۱۳۸۸: ۱۴).

فرضیه پژوهش:

بررسی آیین کشورداری در کلیله و دمنه مسائلی از قبیل بیدادگری، نابخردی حاکمان و حکومت حاکمان نالایق را مطرح کرده است.

بیان مسئله:

کلیله و دمنه کتابی ارزشمند است که سرشار از حکمت، امنیت، عدالت، معشیت، خرد ورزی، رازداری.... این کتاب که در اصل به زبان هندی است و ترجمه آن از پهلوی به سریانی و بعد از آن ترجمه عربی و فارسی است. این کتاب نکات حکمت آمیزی در قالب داستان و پند از زبان حیوانات سخن می‌گوید که به شکل داستان‌هایی بیان شده است.

پیشینه پژوهش:

خلیل خطیب رهبر (۱۳۷۹) ترجمه کلیله و دمنه را از آثار نویسندگان مختلف را مورد بررسی قرار داده است، این کتاب مختصری از احوال نصرالله منشی نگارش شده و در باب برزویه طبیب، شیر گاو، باز جست کار دمنه با معنی و نکته‌های دستوری نوشته شده است. ترجمه کلیله و دمنه ابن مقفع را با نثر منشیانه آراسته و از ملک الشعراء بهار سبک شناسی را در صنعت موازنه یا قرینه سازی مورد بررسی قرار داده است (خطیب رهبر، ۱۳۷۹: ۱۲).

محمد رحمت‌پور در کتاب تجزیه و ترکیب اشعار کلیله و دمنه (۱۳۸۳) مباحثی به قواعد صرف و نحو در گذشته و حال پرداخته است و حدود ۴۵۰ بیت از کتب ارزشمند کلیله و دمنه و مرزبان نامه و تاریخ جهانگشای جوینی را تجزیه و ترکیب نموده و ترکیب اشعار و ترجمه لغات را مورد بررسی قرار داده است.

طاهره عزیزی تحقیقی تحت عنوان «گزیده‌ای از مباحث سیاسی در کلیله و دمنه» در سال (۱۳۸۵) انجام داده است و مطالب موجود نمایانگر سنت‌های آن دوره است. در این تحقیق بیان داشته که کلیله و دمنه به سفارش شخصی نوشته نشده است و مطالب موجود نمایانگر سنت‌های آن دوره است. تصور کلی و جمعی سیاست و تدبیر ملک و اخلاق عملی

اقوام را، دست کم در حوزه هند، ایران و عربستان نشان می‌دهد.

حشمت‌الله ریاضی در کتاب داستان‌ها و پیام‌های کلیله و دمنه (۱۳۸۶) برگرفته از کلیله و دمنه ترجمه ابوالمعالی نصرالله منشی که سیر تدوین و ترجمه و پردازش کلیله و دمنه را در شانزده باب نوشته شده که ده باب آن از زبان حیوانات است و شش باب آن باب و پیام شاهزادگان است. این کتاب داستان‌های حیوانات را در قالب اسطوره‌های نمادین توصیفی در شکل قهرمانان و حیوانات بیان شده است. اصل کتاب کلیله و دمنه به نام پنجه تنتره در پنج باب و زندگی تجربه آمیز حالات حیوانی درون وجود انسان است. نخست از چالشی آغاز می‌شود که بین گاو و شیر است و سپس پای دو شغال به نام کلیله و دمنه به میان می‌آید که یکی خردمند خیر خواه و عاقبت نگر است و دیگری خردمند ولی مکار، مقام دوست و کوتاه بین است که طمع چشم عقلش را بسته و به سرانجام نمی‌نگرد و داستان پیرامون عقل معاش کوتاه بین دمنه و عقل معاد آخر بین کلیله است و یا بین نفس اماره و عقل است که سرانجام گاو که مظهر صداقت است به وسیله شیری که نماد عقل چیره گر خود آگاه است کشته می‌شود، اما با سعی شیر که نماد وجدان بیدار یا نفس ملهمه است، مسأله کشف می‌شود و دمنه (نفس اماره) محبوس می‌گردد و در خواسته‌هایش بسته و تعلقاتش گسسته می‌شود بمیرد و عقل بتواند عدالت را در بین داد و دام وجود انسان برقرار کند. (ریاضی، ۱۳۸۶: ۴).

زینب یزدانی در کتاب حکایت‌هایی از کلیله و دمنه (۱۳۸۶) این کتاب یکی از کتاب‌های ارزشمندی است که در روزگاران گذشته به تحریر در آمده است. حکایت‌هایی در باره شخصیت حیوانات که به شکل آموزنده مورد بررسی قرار داده است.

عفت کرباسی و محمدضا برزگر خالقی در کتاب شرح کلیله و دمنه/ انشای ابوالمعالی نصرالله منشی (۱۳۸۹) این کتاب منشأ کلیله و دمنه و ترجمه‌هایی که به زبان‌های پهلوی، سریانی، عربی، فارسی نوشته شده است، جنبه‌های مختلف (داستانی، اخلاقی، ادبی) مورد بررسی قرار داده است (کرباسی، ۱۳۸۹: ۲۹).

باختر عباسی (۱۳۹۱) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان بررسی حکمت عملی در کلیله و دمنه و مرزبان نامه و مقایسه آن‌ها، موازین حکمت عملی را در این دو کتاب در سه سطح: سیاست ذات (اخلاق)، سیاست تبع (تدبیر منزل) و سیاست مدن (اصول مملکت داری)، بررسی و ارزیابی و با یکدیگر مقایسه کرده است.

آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی (۱۳۹۳) کتاب کلیله و دمنه، ترجمه ابوالمعالی نصراله بن محمد منشی که در این کتاب عبدالله بن مقفع مترجم کلیله از پهلوی به عربی و ابوالمعالی نصراله منشی کلیله را از عربی به پارسی ترجمه کرده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات:

اندیشه سیاسی، قدرت، سیاست، حکومت، تعریف مدن، ضرورت سیاست مدن.

اندیشه سیاسی: (Political thought)

اندیشه در لغت به معنای فکر، تأمل و تفکر است.

اندیشه سیاسی مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی و منطقی و مستدل در باره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد و اندیشمند سیاسی کسی است که بتواند در باره آرا و عقاید خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند، تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً آرا و ترجیحات شخصی به شمار نرود.

قدرت: (Power)

عبارت است از توانایی افراد با گروه‌ها برای دستیابی به هدف‌ها با پیشبرد منافع خود از راه واداشتن دیگر افراد جامعه به انجام دادم کاری خلاف خواسته آن افراد است.

سیاست: (Politics)

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن ملک، حکم راندان بر رعیت، مردم داری، حکومت، ریاست، داوری، تدبیر، اصلاح امور خلق، اداره کردن کارهای مملکت و مراقبت امور خارجی و داخلی است (شیرودی، ۱۳۸۶: ۱۷).

سیاست یعنی سلسله روابطی که شامل قدرت، حکومت یا اقتدار می‌باشد و وظیفه آن اداره کردن جامعه است (دال، ۱۳۶۴: ۸).

حکومت: (Government)

واژه حکومت از ریشه عربی حکم می‌آید که به معنی قضاوت کردن و دستور دادن و داوری کردن و به معنی دانایی نیز هم ریشه است. حکومت عبارت است از گروهی از افراد که قدرت آن را دارند تا بر یک سرزمین مطابق قانون حکم برانند. این سرزمین می‌تواند یک کشور، یک ایالت یا استان در داخل یک کشور یا یک منطقه باشد. حکومت و کشورداری برای رسیدن به جامعه‌ای ایده آل و آرمانی انسانی از دیر باز نقش مهمی داشته و نکات حکمت آمیز در قالب داستان و پند و اندرز در آیین حکومت مجموعه‌ای از نهادهای فرمانروا و ظریف و امتیازات هرکدام از آن‌ها و روابطی که میان اندام‌های حکومتی روبرو است (قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۳).

حکومت به معنی مجرد و انتزاعی آن، عبارت است از فرمانروایی یافتن اداره امور تدبیر و سیاست کارها (صلبیا، ۱۳۶۶: ۳۲۲).

مدن: (Civil)

مدن جمع کلمه مدینه است و مدینه به معنی شهر به شهر بزرگ است. شهر از اجتماع مردم به وجود می‌آید زیرا انسان‌ها نمی‌توانند نیازهای اولیه خود را بر طرف کنند مگر به کمک یکدیگر، این کمک رسانی به هم نوع، بدون اجتماع غیر ممکن می‌باشد. همان‌طور که حکما گفته‌اند: انسان مدنی بالطبع، یعنی محتاج بالطبع الی الاجتماع المسمی بالتمدن (طوسی، ۱۳۵۶: ۷۴).

سیاست مدن: (Civil policy)

سیاست مدن رشته‌ای از حکمت عملی است که در زمینه آیین کشورداری، مراتب حکم رانی و موازین مملکت‌سازی به کار گرفته شده و موضوع آن مشارکت‌هایی است که هر یک با افراد جامعه دارد. اما امروزه هم به معنی چگونگی روابط سازمان‌های دولتی با افراد اجتماع، رابطه‌های افراد با سازمان‌های دولتی و روابط دولت‌ها با یکدیگر از جهت حقوق حاکمیت، به کار می‌رود.

ضرورت سیاست مدن: (The necessity of civil policy)

در اجتماعی که شهر و کشور خوانده می‌شود باید آیین حکومت داری متناسب با آن اجتماع به کار گرفته شود، و حاکم آن تدبیر و چاره‌اندیشی‌هایی را که سیاست خوانده می‌شوند و به مصلحت افراد می‌باشند طبق موازین و مقررات حاکم بر جامعه به کارگیرد. سیاست مدن و آیین کشورداری باعث می‌شود که هرج و مرج و بی‌عدالتی در جامعه به وجود نیاید و هیچ زبر دستی بر زیردستی ستم روا ندارد.

از فیلسوفان و عرفا و جامعه‌شناسان و روانشناسان تا پیام‌آوران وحی الهی و حاملان اسرار هستی و نیز قاتلان به برقراری عدالت اجتماعی و انسانی، برای حکمرانی و قضاوت و عزل و انتصاب ناصواب و نابه‌جا باز دارند و در نتیجه، تحقق عدالت اجتماعی و فردی را میسر سازند (طیب ساوجی، ۱۳۸۸: ۱۰).

۲-۲- ویژگی‌های کتاب کلیه و دمنه:

۲-۲-۱- کلیه و دمنه مانند مثنوی و خمسه نظامی و حدیقه‌ی سنایی و منطق‌الطیر و الهی‌نامه عطار و هفت‌اورنگ جامی داستان‌ها در درون داستان هاست و آن بیانگر چالش درونی لایه‌های وجودی خود انسان از طبع و نفس و عقل و قلب و روح و سر است، هر داستان نماد و تصویر جلوه‌های درونی است.

۲-۲-۲- کلیه و دمنه تنها نمایش جنبه‌های درونی انسان نیست، بلکه یک پردازش جامعه‌شناسانه است که اصناف و قشرهای اجتماعی را بازشناسی می‌کند و آن را مایه تحقیق در علم سیاست مدن قرار می‌دهد و مبنای اخلاق عملی است که به صورت تمثیل

گفته شده است تا پای بندی غیرمستقیم باشد، زیر اندرز مستقیم را حکما شایسته ندانسته اند، چون موجب ستیز و دفاع می گردد.

۲-۲-۳- در این کتاب اخلاق و حکمت و سیاست، شرع و عرف و عقل در بعد فردی و اجتماعی آن در یک وحدت عقلانی گرد آمده اند که خواننده با خواندن آن استحکام عقلایی را می یابد.

۲-۲-۴- عبارت پردازی‌های ادیبانه و پر معنی و کوتاه همراه با تشبیهات و استعارات و صناعات بلیغی مخصوص نثر، این کتاب را از جمله شاهکارهای نثر فارسی درآورده است. ۲-۲-۵- اگر با دید واقع نگری و کردار محوری (رئالیسم و پراگماتیسم) بدان نظر افکنیم مصداق‌های عینی مفاهیم ارائه شده در داستان‌ها و پیام‌های آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل اجراست و می تواند اساس رفتار اجتماعی باشد.

۲-۲-۶- رمزهای اسطوره‌ای و تمثیل‌های حیوانی که مبانی رازشناسی عرفانی است. این کتاب یک هدف منطقی و عقلانی واقع گرا دنبال می کند. مثلاً در داستان شیر و خرگوش، خرگوش نماد عقل و زیرکی است و شیر قدرت و شجاعت را در چاه خودبینی و خودشیفتگی و حرص و آز می اندازد.

در کتاب کلیله و دمنه بیان داستان‌ها و پیام‌ها به صورت گفتمان و دیالگ ارائه گردیده است (ریاضی، ۱۳۸۶: ۱۲).

۲-۳- پایگاه قدرت در کلیله و دمنه:

قدرت مبتنی بر زور

قدرت الگویی یا مرجع

در داستان حیوانات وقتی سخن از حکومت است، شیر در رأس هرم قدرت قرار می گیرد. مسلماً نیرویی که باعث می شود او در چنین جایگاهی قرار گیرد، زورمندی و تسلط او بر دیگران است. در کلیله و دمنه اصولاً قدرت بلامنازع است و هیچ چون و چرایی در آن نیست (قدرت مبتنی بر زور). حتی در داستان‌هایی که شیر به هر علتی، قدرت سابق خود را از دست داده است، هم چنان حاکمیت مطلق از آن اوست و هیچ حیوان دیگر داعیه حکومت بر دیگران را ندارد. در برخی از داستان‌ها هریک از انواع حیوانات پادشاه خاص خود را دارند؛ ولی در این داستان‌ها اولاً شیر حضور ندارد و ثانیاً این پادشاه بر جمیع حیوانات مسلط نیست. بنابراین با حضور شیر، حیوان دیگری شایستگی حکومت ندارد. این مسأله از آن جا ناشی می شود که در نظام سنتی علاوه بر زور، اصالت، خون و نژادگی، مهم ترین شرط احراز پادشاهی به حساب می آمد. در این باره محققان براین اصل تأکید کرده اند که «ساختارپذیرفته شده اجتماعی» می تواند منشأ قدرت باشد (محمد

زاده، ۱۳۷۵: ۳۹۴).

کسانی که در کنار شیر قرار دارند (طبقه حاکم) بسیار می‌کوشند تا حاکم علاوه بر قدرت مبتنی بر زور به قدرت مرجع نیز مجهز شود. صاحب قدرت مرجع به دلیل برخورداری از نیروهای جذاب شخصیتی می‌تواند دل‌ها را تصرف کند و بر آنها تسلط یابد. این فرد از ویژگی‌های آرمانی برخوردار است، ویژگی‌هایی که مورد تحسین و آرزوی دیگران است.

۲-۴- شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه

این شاخص‌ها در چهار حوزه قابل بررسی است: حوزه سیاسی و امنیتی، حوزه اعتقادات دینی و مذهبی، حوزه اقتصادی و معیشتی، حوزه منابع انسانی.

۲-۴-۱- حوزه سیاسی و امنیتی:

اداره هر مملکت مستلزم وجود سیاست و تدبیر و حاکم سیاستمدار است. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که حاکم باید بر آن‌ها تمرکز و حساسیت بالا داشته باشد، مسائل سیاسی و امنیتی است. برای افزایش ضریب امنیت و دقت در این مقوله باید به مواردی دقت داشت که عبارتند از:

مشورت و رایزنی در تدبیر مصالح مملکت

پرهیز از مشورت کردن و اندرز گفتن با افراد ناسپاس و خودرأی

گرامی داشت خردمندان و خردورزی

عدالت‌ورزی

اعتماد نکردن به دشمن

رازداری

رعیت‌نوازی

مشورت با زنان، تباه و سخاوت با مفسدان، گناه است

ناپرداری دوستی‌ها و دشمنی‌ها

رسیدگی به امور سپاهیان.

۲-۴-۱-۱- مشورت و رایزنی در تدبیر مصالح مملکت

پادشاه باید در تدبیر امور مهم و مصالح مملکت با بزرگان مملکتش به مشورت و رایزنی بپردازد. هر چیزی که به صلاح مملکت است از زبان هر کس شنیده شود در رأس عمل قرار دهد.

ابن مقفع نمونه‌هایی از مشورت و نظر خواهی پادشاه را با زیردستان این چنین آورده

است:

«قال الملك للخامس: ما تقول انت و ماذا ترى القتال؟ قال: اما القتال فلا سبيل للمراء الى قتال من لا يقوى عليه و قد يقال: انه من لا يعرف نفسه و عدوه و قاتل من لا يقوى عليه حمل نفسه على حتفها مع ان العاقل لا يستصغر عدوا، فان من استصغر عدوه اغتر به و من اغتر بعدوه لم يسلم منه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۴۵).

«پادشاه به پنجمی گفت: تو چه می‌گویی و جنگ را چگونه می‌بینی؟ گفت: اما جنگ پس راهی نیست برای انسان، به جنگیدن با کسی که بر او نیرومند نیست و گفته می‌شود: «همانا او کسی که خودش و دشمنش را نمی‌شناسد و با کسی می‌جنگد که بر او قوی نیست، پس خودش را به نابودی می‌کشاند». با این که خردمند دشمن را کوچک نمی‌شمارد. پس همانا کسی که دشمن را کوچک به شمار آورد به او فریفته شده است و کسی که فریب دشمنش را بخورد هرگز از دست او در امان نمی‌ماند».

۲-۴-۱-۲- پرهیز از مشورت کردن و اندرز گفتن با افراد ناسپاس و خودرأی

مشورت کردن با انسان‌های خودرأی و پند و اندرز دادن افراد ناسپاس، کار بی‌حاصل کردن است.

هرکس انسان خودرأی و متکبر را نصیحت کند و او را به انجام کارهای نیک اندرز دهد خود محتاج این است که دیگران وی را پند و اندرز دهند.

ابن مقفع می‌گوید: «و من یبدل وده و نصیحتة لمن یشکره فهو کمن ینذر فی السباح و من یشر علی المعجب فهو کمن یشاور المیت او یسار الاصم» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۹۹). «و کسی که محبتش را می‌بخشد و اندرزش برای کسی است که او را سپاس گوید همانند کسی که تخم در شوره زار بیفشاند، و کسی که خودرأی را مشورت دهد همانند کسی است که مرده‌ای را مشاوره می‌کند یا به گوش کر می‌خواند».

۲-۴-۱-۳- گرامی داشت خردمندان و خردورزی

قلمرو فرمانروایی پادشاه با استفاده از افراد خردمند توسعه و گسترش می‌یابد و کشور بدون این مردان، چندان پیشرفتی حاصل نمی‌کند؛ پادشاه نیز باید کارهای دیوانی دربار خود را به افراد خردمند بسپارد هرچند که ممکن است خردمندان به چنین کارهایی تن در ندهند.

هرکس که در انجام کارهایش از عقل و خرد و تدبیر خویش بهره‌گیری به خوبی و خوشی دست می‌یابد. ابن مقفع در داستان آورده است که: «قال الملك للغراب: بل برایک و عقلک و نصیحتک و یمن طالعک کان ذلک فان رای الرجل الواحد العاقل الحازم ابلغ فی هلاک العدو من الجنود الکثیره من ذوی الباس و النجده و اعدو و العده» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۶۰).

«پادشاه به کلاغ گفت: البته به رأی و خرد و پند و مبارکی اقبال تو بود که آن گونه شد (پایان خوبی داشت) پس به درستی که عقل و خرد مرد تنهای دانای دور اندیش، در نابودی دشمن، از سپاه بسیاری دلیر و شجاع که ساز و برگ فراوان همراه دارند، تأثیر گذارتر است».

ابن مقفع در جای دیگر آورده: «و انما العقل شبيه بالبحرالذى لا يبلغ البلاء من ذی الراى مجهوده فیهلکه و تحقق الرجاء لا ینبغی ان یبلغ منه مبلغا یبطره ویسکره فیعمی علیه امره» (همان: ۱۷۴).

«و همانا خرد شبیه به دریایی است که عمق و ژرفای آن درک نمی‌شود (پیدا نیست) و هیچ بلایی به خردمند نمی‌رسد که تلاش او را نابود کند و شایسته نیست که چون به هدفش برسد او را مغرور و مست کند که خلاف آن کارش را می‌بیند».

۲-۴-۱-۴- عدالت ورزی

عدالت ورزی و دادپیشگی پایه و اساس حکومت داری و امری سیاسی به حساب می‌آید.

رعایت عدالت در کشور باید از خود پادشاه یا حاکم شروع شود تا دیگران عمل وی را سرمشق کار خود قرار دهند. پادشاه یک مملکت باید آن چه می‌گوید اول خود بدان جامه عمل ببوشاند بعد انتظار رعایت آن را از جانب دیگران داشته باشد. اگر پادشاه یک مملکت خود به رعایت این اصل مهم بپردازد، پایه و بنیاد حکومت خود را استحکام بخشیده است. ابن مقفع این چنین آورده است:

و قد یقال: خیر السلاطین من عدل فی الناس، ولو ان الاسد لم یکن فی نفسه لی الا الخیر والرحمه لغیرته کثره الاقالیل فانها اذا کثرت لم تکف دون ان تذهب الرقه والرافه، الا ترى ان الماء لیس کالقول، و ان الحجر اشد من الا نسان، والماء اذا دام انحدره علی الحجر لم یزل به حتی یثقبه و یوثر فیه، و کذلک قول فی الانسان» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۰۲).

و گفته می‌شود: «بهترین پادشاهان کسی است که میان مردم به دادگری رفتار کند». و اگر چه در دل شیر جز نیکویی و مهر نسبت به من نیست، اما زیاده‌گویی‌ها دگرگونه‌اش می‌کنند و چون آن‌ها را بیش‌تر کنند دیری نمی‌گذرد که شفقت و مهربانی از دلش برود. آیا نمی‌بینی که آب مانند گفتار نیست و همانا سنگ سخت‌تر از انسان نیست؟ و هنگامی که آب پیوسته که بر سنگ بگذرد درنگی نمی‌کند تا این که آن را سوراخ کند و در آن تأثیر بگذارد و سخن در انسان این چنین اثر می‌گذارد».

۲-۴-۱-۵- اعتماد نکردن به دشمن

دشمن گاهی به مصلحت خویش از در دوستی وارد می‌شود و اظهار دوستی می‌نماید؛

هدف وی از این عمل شاید چیزی جز قدرتمند کردن خویش نباشد. حاکم یک مملکت باید بداند که در هر صورت دشمن نباید کوچک و ناتوان شمرد و به دوستی وی نباید اعتماد کند.

ابن مقفع در باره دشمن می‌گوید:

«و قد قيل: لا تحقرن العدو الضعف المهين و لا سيما اذا من ذا حيله و يقدر علی الاعوان، فكيف بالاسد علی جراءة و شدته» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۰۲).

«گفته شد: دشمن را حقیر و سست و ناتوان مشمار» به ویژه هنگامی که دغل کار باشد و بر یاران توانا باشد؛ چه رسد به شیر با چنان توانمندی و شجاعتش».

«و یقال: اربعة اشیاء لا یستقل قلیلها: النار، والمرض، و العدو، والدين» (همان: ۱۶۰).
«و گفته می‌شود: چهار چیز است که اندکی آن‌ها کوچک شمرده نمی‌شود: «آتش و بیماری و دشمن و والدین».

۲-۴-۱-۶-رازداری

رازداری هر پادشاه و حاکمی و حتی سایر افراد اسرار ناگفتنی دارند. آن رازی که انسان دوست دارد همیشه مخفی بماند نباید برای کسی حتی دوست بازگو کند. چه بسا که روزی دوست، از آن راز به عنوان حربه ای استفاده نماید و با دشمنان هم دست شود. از اول باید خاموش بود و راز را به کسی نباید گفت، زیرا زمانی که گفته شود سخن دست به دست گردد جلوی دهان مردم را نمی‌توان گرفت.

ابن مقفع از زبان خردمندان آورده است که:

«وقد قالت العلماء: ینعی للملک ان یحصن اموره من اهل النمیمه، و لا یطلع احداً منهم علی مواضع سره. فقال الملک: ما اهلك البوم فی نفسی الا البغی وضعف رای الملک و موافقته وزرا السوء» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۵۸).

«و خردمندان گفته‌اند: بر پادشاه واجب است که کار خود را از خبر چینیان در امان نگه دار و هیچ یک از آنان بر جایگاه‌های سری وی آگاه نشود. و در عقیده من بوم را جز ستم پیشگی و سست رأیی پادشاه و همراهی وی با وزیران بد و ناشایست نابد نکرد».

۲-۴-۱-۷-رعیت‌نوازی

پادشاه همواره برای بقای قلمرو فرمانروایی اش باید بتواند رعیت را در اطراف خود گرد کند زیرا در روز سختی و بلا بهترین حامی و فریادرس وی خواهند بود. وی در صورتی می‌تواند مردم را به دور خود جمع کند که مردم نواز باشد و نسبت به خلق، کرم و رحمت داشت باشد.

ابن مقفع چنین نقل می‌کند:

«قال الفيلسوف: ذو الراى يحدث لكل ما يحدث من ذلك رايا جديدا، اما من قبل العدو فبالباس و اما من قبل الصديق فبالاستئناس» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۷۳).
 «فيلسوف گفت: خردمند برای هر حادثه راهی جدید می جوید، و اما در برابر دشمن به سختی و در برابر دوست به نرمی روی می آورد».

۲-۴-۱-۸- مشورت با زنان، تباه و سخاوت با مفسدان، گناه است

در گذشته مشورت با زنان را جایز نمی شمردند و اعتقاد داشتند که اسرار به ویژه اسرار جنگی و حکومتی را نباید با زنان در میان گذاشت. شاید آنان احتمال می دادند که زنان به خاطر داشتن احساس و عاطفه یاد، فکر آنان تغییر کند و اراده شان ضعیف گردد و اسرار آنان فاش گردد.

ابن مقفع در مشورت با زنان می‌گوید:

«و قد قالت العلماء: ان ثلاثه لايجترى عليهن الا اهو، و لا يسلم منهن الا قليل، و هي صبه السلطان، و ائتمان النساء على الاسرار، و شرب السم للتجربه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۷۷).

«و خردمندان گفته اند: سه کار را جز نادان نکند و جز اندکی از آن‌ها در امان نمی ماند: هم‌نشینی با پادشاه، امین دانستن زنان در اسرار و چشیدن زهر برای آزمایش».

۲-۴-۱-۹- ناپایداری دوستی‌ها و دشمنی‌ها

رابطه دوستی و دشمنی همیشه بر یک حالت پایدار نمی ماند؛ پس اسرار خود را هرگز با دوستان در میان مگذار شاید آن روزی دشمن تو گردند.

ابن مقفع چنین نقل می‌کند: «قال الفيلسوف: ان الموده والعداوه لا تثبتان على حالت ابد، و ربما حالت الموده الى العداوه، و صارت العداوه و لايه و صداقه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۷۳).

«فيلسوف گفت: به درستی که دوستی و دشمنی پیوسته، بر یک حالت پایدار نمی ماند و با گردش روزگار و اتفاق‌ها و تجربه‌ها، چه بسا حالت دوستی که به دشمنی و دشمنی به دوستی بیانجامد».

۲-۴-۱-۱۰- رسیدگی به امور سپاهیان

پادشاه باید لشکریان را در همه حال مورد لطف و توجه قرار دهد تا اگر زمانی سختی و جنگی پیش آمد با جان و دل از مملکت خود دفاع نمایند. وی باید حافظ و پاسدار جان و مال رعیت باشد و در هنگام بلا آن‌ها را به دام هلاکت نیندازد؛ زیرا پادشاه با وجود سپاهیان جان بر کف است که می تواند سروری و سلطنت کند. ابن مقفع چنین آورده است: «و صاح الاسكندر: من المروء ان يرمى الملك بعدته في المهالك المتلفه و المواضع

المجحفه بل یقیهم بماله و یدفع عنهم بنفسه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۰).
 «اسکندر فریاد برآورد: به درستی که شیوه رادمنشی این نیست که پادشاهی، مردمانش را به جاهای نیستی و جایگاه‌های نیستی و بلا در افکند؛ بلکه باید با مال خویش نگهدار آنها باشد و با جان خویش (بلا) را از آن‌ها دور کند».

۲-۴-۲- سیاست مدن و آیین حکومت داری در حوزه اعتقادات دینی و

مذهبی

۲-۴-۲-۱- دینداری و توجه به قدرت اهورایی رمز موفقیت در امر کشورداری

پادشاه باید ایمان به خدا و توکل بر وی را در راس فرمانروایی خود قرار دهد. هرکس به درگاه خداوند بزرگ روی آورد و حاجتی بخواهد خواسته او بدون پاسخ نخواهد ماند. ابن مقفع تقرب به خدا را در رأس امور قرار می‌دهد و این چنین می‌گوید: «قد روی عن العلماء انهم قالوا: من طابت نفسه بان يحرقها فقد قرب لله اعظم القربان، لا يدعو عند ذلك بدعوه الا استجيب له» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۱۵۵).

«به تحقیق که از دانشمندان روایت شده که همانا آن‌ها گفتند: کسی که با طنش را با سوختن پاکیزه کرد اگر به درگاه خدا تقرب جوید بزرگ ترین نزدیکی است، نزد آن خوانده نمی‌شود مگر این که خواسته اش برای او اجابت شود».

۲-۴-۲-۲- کاربرد دعا

همیشه در بین انسان‌ها اعتقاد به وجود داشته و هنگامی که به بلا و گرفتاری دچار می‌شوند دعا کاربرد بیش‌تری دارد.

ابن مقفع چنین می‌گوید: «قال کلیله: خار الله لك فيما عزمت عليه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۷۷).

«کلیله گفت: خداوند برای تصمیمی که گرفته‌ای نیک انجامی ات دهد». «فدعا له الثور و اثنی عليه» (همان: ۸۱). «گاو برای او (شیر) دعا کرد و او را ستود».

در جای دیگر می‌گوید: «قال ایلاذ: ادام الله لك، ايها الملك، المك والسرور» (همان: ۲۰۸). «ایلاذگفت: ای پادشاه خداوند کشور و شادی‌هایت را برای تو جاویدان بدار».

۲-۴-۳- سیاست مدن و آیین حکومت داری در حوزه اقتصادی و معیشتی

۲-۴-۳-۱- برقراری همیشگی اسباب معیشت مردم

حاکم اصلی جهان، خداوند روزی رسان، گناه بندگان را می‌بیند و رزق و روزی آنان را قطع نمی‌کند. خداوند کریمی که به دشمنان خود هم روزی می‌دهد امکان ندارد که دوستان و بندگان خود را از این نعمت‌ها بی بهره کند هرکس در باره پادشاه به امید رزق و روزی کار می‌کند. بر پادشاه واجب است که حقوق صاحبان حق را ادا کند و حق آن‌ها

را پایمال نکند.

«ینبغی لسلطان الا یلج فی تضییع حق ذوی الحقوق» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۷۹).
«شایسته است برای پادشاه که در ضایع کردن حقوق صاحبان حق لجاجت نورزد».

۲-۴-۳-۲- قناعت و خرسندی

حاکم یا پادشاه باید قناعت و خرسندی را پیشه خود قرار دهد تا تاجران و بازرگانان مملکت وی هم بیاموزند. انسان همواره خواهان بیش تر داشتن است و تا زمانی که خود را به آن چه دارد قانع و خرسند نشان ندهد، شب و روز در تلاش و تکاپو است تا مال زیادی ذخیره کند. وی باید که مال و ثروت چیزی نیست که بتواند او را در هنگام مرگ نجات دهد و یا قابل نقل مکان از این سرای به سرای باقی باشد. انسان که سرانجام باید دست تهی از این جهان برود باید از مال و ثروت دنیوی به اندازه نیاز، قانع و خرسند باشد. ابن مقفع در این باره می‌گوید: «و من لم یرض من الدنیا بالكفاف الذی یغنیه و طمحت عینه الی ما سوی ذلک، و لم یتخوف عاقبتہ کان کالذباب، الذی یرضی بالشجر و الریاحین. و لا یقنعه ذلک حتی یطلب الماء الذی یسیل من اذن الفیل فیضربه الفیل باذنیه فیهلكه» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۹۹-۹۸).

«و هرکس به بهره خود که او را از دنیا بی نیاز می‌کند خرسند نباشد و چشمش به غیر از آن حریص شود همانند مگسی است که به درختان و گل‌های خوشبو راضی نمی‌شود و او را قانع نمی‌کند تا این که آبی را طلب می‌کند که از گوش فیل جاری می‌شود، و فیل با گوش‌هایش به او ضربه و او را هلاک می‌کند».

۲-۴-۴- سیاست مدن و آیین حکومت داری در حوزه منابع انسانی

برای گردکردن و تجمیع نیروی انسانی مورد نیاز پادشاه و دستگاه حکومتی، حاکم معیارها و ملاک‌های را برای فراهم آوردن کابینه، کارگزاران حکومتی خویش در نظر دارد.

۲-۴-۴-۱- هوشمندی و داشتن فهم و فراست

رسیدن به مقام و منزلت در دربار پادشاه به داشتن دارایی، مال و ثروت نیست بلکه با داشتن فهم و فراست بالا می‌توان از بخت و اقبال نیکویی بهره برد.
ابن مقفع از زبان حیوانات آورده است:

«قال دمنه: لا تنظر الی صغری و ضعفی، فان الامور لیست بالضعف ولا قوه، ولا الصغر و لا الکبر فی الجثه، قرب صغیر ضعیف، قد بلغ بحیلہ و دهائہ و رایہ ما یعجز عنه کثیر من الاقویاء» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۸۶).

«دمنه گفت: به خردی و ناتوانی ام منگر پس همانا کارها به ناتوانی و به نیرومندی، و به کوچکی و درشتی پیکر نیست، زیرا چه بسا ناتوانی کوچک اندام، با تدبیر و هوشمندی

و فکرش به چیزی رسد که بسیاری از زورمندان از آن ناتوان می‌مانند».

۲-۴-۴-۲- عملکرد و رادمنشی

ملاک سنجش قدر و منزلت آدمی در دربار، کار و عملکرد اوست و خوش قد و قامتی و زیبا بودن بیانگر درجه هوش و ذکاوت و رادمنشی فرد نیست. تا زمانی که انسان گفتار و کردار خود را به مرحله نمایش نگذارد نقاط قوت و ضعف وی پنهان می‌باشد. رادمنشی مختص افراد بزرگ و دارای مقام و منزلت نیست و در هر کسی و در هر مقامی که پیدا شود واجب احترام است. در دربار حکومت به کسی نباید به چشم خردی نگاه شود چه بسا آن که در نظر خرد نماید در عمل، کار برگی از وی سر زند. ابن مقفع در کلیله و دمنه این پیام را یاد آوری کرده است که:

«ایها الملک حقیق الا تحقر مروءه انت تجدها عند رجل صغیر المنزله فان الصغیر ربما عظم کالعصب الذی یؤخذ من الميته فاذا علمت منه القوس اکرم فتقبض علیه الملوک و تحتاج الیه فی الباس و اللهو» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۷۶).

«ای پادشاه خوب می‌دانی که رادمنشی را، اگر چه در کسی می‌یابی که در جایگاهی پس و کوچک می‌باشد، هم چون پی که از مردار می‌گیرند و چون از آن کمان ساختند ارج گذاشته می‌شود و پادشاهان آن را به دست می‌گیرند که در غم‌ها و شادی‌ها به آن نیاز دارند».

۲-۴-۴-۳- به کار بستن افراد با تجربه و کاردان

پادشاه عالم و کاردان و آگاه باید با استفاده از تجربیات افراد زیردست، آن‌ها را در کارهای حکومتی به کار گمارد. کارهای بزرگ و مهم را به افراد با تجربه و هوشمند و کارهای عادی را به زیر دستان عادی واگذارد.

شاه همواره در امور مملکت و گزینش افراد و انتصاب آن‌ها در دربار خود از راه آزمایش و امتحان عمل می‌کند. کار پادشاه عاقل همانند کار پزشکی است که تا از بیماری و علت آن آگاهی نیابد و نبض بیمار را نگیرد و سرشت وی را نشناسد به مداوای او نمی‌پردازد. ابن مقفع در این باره می‌گوید: «فان الطیب الرفیق العاقل لا یقدر علی مداواه المریض الا لعد النظر الیه و الجس لعروقه و معرفه طبیعته و سبب علته فاذا عرف ذلک کله حق معرفته اقدام علی مداواته فکذلک لاینبغی له ان یصطفی احدا ولا یتخلصه الا بعد الخبره» (ابن مقفع، ۲۰۱۰م: ۲۱۲).

«پس همانا پزشک مهربان و خردمند به مداوای بیمار نمی‌تواند بپردازد مگر بعد از نگرستن به او و گرفتن نبضش و شناختن سرشتش و علت دردش و چون به خوبی بر آن همه آگاه شود به درمان وی اقدام می‌کند و نیز شایسته نیست برای او (خردمند) که کسی

را برگزینند و گزینش نمی‌کند او را جز بعد از آزمایش.»

۳- نتیجه‌گیری

یکی از عوامل مهم در کلیله و دمنه نظام طبقاتی در داستان شیر و گاو و داستان‌هایی که به ترسیم فضای سیاسی می‌پردازد، برخی از رفتارهایی که هنوز هم کم و بیش جزء ویژگی‌های مردم شرق (هند، ایران و عرب) به حساب می‌آید. تملق و ریاکاری، بدبینی، عدم اعتماد، پنهان کاری و غیره.

حاکم و پادشاه به عنوان الگو و سرمشق، قناعت و خرسندی را پیشه خود قرار دهد. اوضاع سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که در سیاست و آیین کشورداری آن روزگار آشوب و فتنه در معرض حملات دشمن بوده است. پادشاه حاکم بر مملکت آن‌ها، به فکر تدبیر و راهکارهایی برای دفع دشمن بوده و می‌خواسته از تجربیات دیگران برای اداره امور مملکت شان بهره بگیرد.

مهمترین رکن کشورداری و حکومت داری عدالت است که انتصاب بجا، تصمیم‌گیری صحیح و توجه به مردم و امثال آن از راه‌های درست اجرای آن می‌باشد؛ پس حاکمان و مسئولان باید توجه داشته باشند که بی توجهی در اجرای عدالت، پیامدی جز تباهی به دنبال نخواهد داشت.

انتصاب و گزینش افراد در دستگاه حکومت، به درجه هوش، فراست و رادمنشی افراد بستگی دارد نه این که پادشاه بر اساس شناخت قبلی که از خانواده ایشان دارد و یا بر اساس مال و ثروت و تیپ و قیافه افراد، آن‌ها را به کار گیرد. هر گونه کوتاهی در شناخت کارگزاران، زمینه را برای گروهی فرصت طلب مهیا خواهد کرد و یا به قضاوتی نابجا خواهد انجامید که نتیجه‌ای جز نارضایتی مردم و اغتشاش در جامعه در بر نخواهد داشت.

حکمی در تصمیم‌گیری موفق است که بر اساس عقل، تجربه و مشورت عمل کند؛ البته باید در مشورت به ملاک‌هایی چون خرد، رازداری و.....مشاوران داشت.

لشکریان از ارکان مهم حکومت هستند و پادشاه برای برخورداری از حمایت ایشان در روز سختی و جنگ، باید در روز خوشی و آسایش، حقوق آنان را رعایت کند و خاطر آنان را پاس بدارد. پادشاه با سازش و مدارا کردن با لشکر، می‌تواند آن‌ها را بزرگ‌ترین حامی و پشتیبان خود در مقابل دشمن قرار دهد و خود با خیالی آسوده بر سپاهش سروری کند. دشمن چه کوچک و چه بزرگ، نباید حقیر و ناتوان به حساب آورد و در برخورد با دشمن احتیاط شرط اصلی است به ویژه وقتی دشمن دغل کار باشد. گاهی لازم است که در برخورد با دشمن خشونت، به خرج داد و گاهی هم باید با وی به نرمی و مدارا رفتار کرد.

اتحاد و یکدلی تأکید می‌ورزد که مردم یک مملکت با اتحاد و همبستگی می‌توانند در مقابل مشکلات و دشمن بایستند و زود به راه‌هایی از آن‌ها، دست پیدا کنند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن المقفع، عبدالله. (۲۰۱۰). کلیله و دمنه، به تصحیح محمد راجی کناس، بی‌جا: دارالمعرقه.
- ۳- پور محمد، رحمت. (۱۳۸۳). تجزیه و ترکیب اشعار کلیله و دمنه، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- ۴- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۳). کلیله و دمنه، ترجمه ابوالمعالی نصراله بن محمد منشی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ۵- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۷۹). کلیله و دمنه، تهران: انتشارات مهتاب.
- ۶- دال، رابرت. (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: انتشارات خرمی.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). لوح فشرده لغتنامه فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- رحمت پور، محمد. (۱۳۸۹). تجزیه و ترکیب اشعار کلیله و دمنه، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- ۹- ریاضی، حشمت. (۱۳۸۶). داستان‌ها و پیام‌های کلیله و دمنه، تهران: انتشارات اوحدی.
- ۱۰- شریفیان، مهدی. (۱۳۷۲). سیاست مدن در کلیله و دمنه و مرزبان نامه، ناشر، اردیبهشت.
- ۱۱- شیروودی، مرتضی. (۱۳۸۶). جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، چاپ اول، بی‌جا: انتشارات زمزم هدایت- چاپ سپهر.
- ۱۲- صلیبا، جیل. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، تهران: انتشارات حکمت.
- ۱۳- طبیب ساوجی، علامه میرزا موسی. (۱۳۸۸). گنجینه آثار ادیبان و دانشمندان ساوجی (سیاست مدن)، محقق محمد حسین اکبری ساوجی، بی‌جا: انتشارات استاد مطهری چاپ گنج معرفت.
- ۱۴- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۵۶). اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و

علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.

۱۵-عباسی، باختر. (۱۳۹۱). بررسی موازین حکمت عملی در کلیله و دمنه و

مرزبان نامه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون.

۱۶-عزیزی، طاهره. (۱۳۸۵). گزیده‌ای از مباحث سیاسی در کلیله و دمنه، بی

جا: بی نا.

۱۷-فرانسوا، دوبلوا. (۱۳۸۸). شرح کلیله و دمنه، ترجمه صادق سجادی، تهران:

انتشارات طه‌پوری.

۱۸-محمد زاده، عباس، آرمن مهره‌ژان. (۱۳۷۵). رفتار سازمانی نگرش اقتضایی،

تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۹-محمدی، محمد رضا. سیاست در کلیله و دمنه، بی جا: دانشگاه علوم اسلامی

رضوی.

۲۰-مرعشی پور، محمدرضا. (۱۳۹۳). ترجمه کلیله و دمنه، تهران: انتشارات نیلوفر.

۲۱-مینوی، مجتبی. (۱۳۸۸). شرح کلیله و دمنه، عفت کرباسی، محمد رضا برزگر

خالقی، تهران: انتشارات زوار.

۲۲-یزدانی، زینب. (۱۳۸۶). حکایت‌هایی از کلیله و دمنه، تهران: انتشارات تیرگان.